

الآن

ده افغانان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

مه امورات نجر ربه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارد مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

وراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

قیمت سالانه

از وزراء و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی

و معاونین و وقایع نکران (فخری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) رویه کابلی در خارجه

یم پوند انگلیسی با محصول پوست

از طلاب و محصلین نصف قیمت

شش ماهه

داخله خارجه

(۸) رویه (۷) شلنگ

امان افغان

۱۳۳۷ ع

از انبای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده برایش فرستاده میشود

قیمت این شماره یک قران

تاریخ شمسی (۳۰) عقرب ۱۳۰۳ هجری (شنبه) تاریخ قمری (۲۴) ربیع الثانی سنه (۱۳۴۳) هجری

منازعات و مناقشات

- (۱) کفره ادیان در انگلستان - (۲) افغانستان کنونی - (۳) اطلاعات عامی و فنی - (۴) محصلین مادر اروپا - (۵) قضیه سمت جنوبی - (۶) مدن قادیانها به کابل برای مناظره لزوم ندارد - (۷) تشکر از روزنامه ها و مجمع ها و علمای مسلمین هند - (۸) بتقریب رهائی مولوی ظفر علی خان مالک روزنامه زمیندار - (۹) محاربه (ایک) و شجاعت آقای محمد عمر خان لوا مشر - (۱۰) حوادث خارجه -

(کنفره ادیان در انگلستان)

بدبختانه غریبهها (اروپائیها) برخلاف ما شرقیها خیلی دقیق نظر و دور بین بوده هیچکامی قضایا و مسائل دنیا را به نظر لاقیدی تلقی نمی کنند. ادا چیزی را به نگاه بی اعتنائی و امیتی، حقارت و بی قدری نمینگرند کوجکترین اشیا امور را بادیة فلسفیان و استفاده کارانه دقت و غور می نمایند. برکات و حوادث را قبل الوقوع پیش بینی و نتائج مثبت و منفی را با محود کشف می نمایند.

غریبهها استفاده چینی محض بوده لب نمی چسباند ناحرفی و میان نباشد، قدمی بر میدارند تا چیزی در نظر نباشد حرکت بر سکون، جد و جزل، تعارف و نجامل، اقیال و اجمال، التفات و بی التفاتی، طرفداری و بی طرفی شان به کلی بی غرض و داشتن یک نصب العین است. از آنجاست که همه وقت مراقب پیش بوده موقع استفاده را ادا خطا نمی کنند و فرصت از دست نمیدهند.

غریبهها برای رسیدن بمقصد و بدست آوردن منظور خویش خواه جلب منفعت باشد یا جلوگیری و طرد ضررت آنقدر بیشتر

اقدام به عملیات می نمایند و طوری وسائل و وسائط لازم را بکار می اندازند که ما شرقیها ادا به امرار آن نمیرسیم و به منویات شان از ان عملیات بی غمی بریم مگر وقتیکه آنها را کامیاب و خود را ناکام می بینیم و دست افسوس و ندامت بر سر میزیم. کسی دقت نکرد که چرا انگلیس ها از سالها فراریهای افغان را در هند نگاه میدارند، احترام میکنند، معاشات کزانی میدهند مناصب و خطابات می بخشند؟ کسی فکر نکرد که چرا قشون انگلیسی در واقعه سودان از عساکر مصری همراهی نمودند و تلفات خطر جانی و مالی در این راه دادند؟ هکذا بسی ازین قبیل مسائل و قضایای بزرگ زر نظر است که نتیجه آن را در موتی فهمیدیم که خود را دچار بلا یافتیم. از همین وادی است بی التفاتی ظاهری غریبهها به دیانت و لاقیدی شان نسبت به ادیان و کفین شان: دین خلاف علم است دین مانع ترقی است، دین مخرب مدییت است، برای اینکه فکر لادینی را میان ما شرقیها تولید نموده منویات ما را ضعیف ساخته رشته اتحاد و اتفاق مان را که دین یگانه مؤسس و حامی آن است از هم قطع سازد، و نیز در دماغهای عوام و ساده لوحان ما این نکته را تثبیت نماید که غریبهها بدین کسی غرض

ندارد تا اگر برمالک ما محوم بیارند چنانچه آورده اند از حیث تعصب و اختلاف دین کسی بر علیه آنان قیام نکند اما از طرف دیگر می بینیم که غربیها به دین آنقدر اهمیت میدهند و در راه ترقی آن چنان خدمت می نمایند و پولها صرف می کنند که ما شرقیها ادا به آن نوع عملیات و فدا کاری اقدام نکرده ایم و نمیتوانیم . چه پولها که به مبلغین دین خود ها میدهند برای تحقیق ادیان سیاحتها می کنند ، مؤلفات می نویسند . کتب دینی تمام ادیان را که نزد پیروان آنها وجود ندارد اروپاها طبع نموده اند همیشه کنسکره ها برای تحقیق ادیان تشکیل میدهند در سنه ( ۱۸۶۶ م ) در شهر ( نیو یارک ) ای امریکای کنسکره بزرگ دینی به نام ( بارلمان بین الملل ادیان ) عقد شد . در بروکسل ، لیدن پاریس و اسکوفورد هم چند بار کنسکره های دینی به نام کنسکره ( تاریخ ادیان ) تشکیل گردید . در انگلستان هم وقت حرکات مهم دینی یکدیگر را تعقیب می نماید .

بالجمله غربیها مثل سایر امور از دین هم استفاده می کنند و آن را وسیله پیشبرد مقاصد خود ساخته کار می گیرند . اگر دین را بی اهمیت می بینند مقصدی دارند ، و اگر به دین اهتمام و احترام می کنند نیز برای غرض است .

قرار بیان مطبوعات ترکی چند ماه قبل ازین در لندن بلجیه کنسکره دینی برای توحید فعالیت و ایجاد ارتباط و تالف میان عقائد مختلفه کلیساهای تمام نصرانیها یک در داخل امپراطوری انگلستان زیست میکنند ، انعقاد یافت . کنسکره منبر در چین نظامرات حرارتناک از طرف همه اصناف مردم و احزاب مختلف و سوسیالیستیک کابینه شان تا چند روز قبل برقرار بود افتتاح گردید ، و بعد از آن که جریانات آن چند روز سرمایه مهم مقالات مطبوعات بوده و بطرف مقصود کام های ترقی را سر راست انداخت باز در نظامرات هیجان دار ختم گردید . متعاقب این کنسکره که محض توحید عقائد و تشکیلات دینی عیسویها انعقاد یافته بود در ( اسکوفورد ) یک کنسکره دینی دیگر کشاده شد این کنسکره ( کنسکره رجال عصری کلیسا ) یعنی مشورین علمای عیسوی بوده مقصود این علمای متنور الفکر در تشکیل کنسکره منبر و ایجاد ارتباط بین علم و دین بود از انگلستان رجالیک در هر علم تخصص و متبحر بودند در این کنسکره اشتراک ورزیدند هر روز یک عالم انگلیس که صلاحیت هرانی از در تمام جهان مدنیت مسالم بوده تلقینات خود را از روی علمیک در آن تخصص داشت نسبت به دین و الحاحه نصرانیت ابضاح می نمود ، ستوهای مطبوعات از خلاصه این ابضاحات هر روز مملو میگردد ، حیاتیات ، غریزات روحیات

اجتماعیات ، علم هیئت و سائر علوم کفین چیزی را که در عقائد نصرانی صلاحیت داشتند همه را گفته و از طرف حاضر بن تمام آن با کمال سکوت و منهای وقار شنیده شد . علمای انگلیس با عده از عقائد خرافیه نصرانی محادله نمودند و تمام عقائد آنان را از غریبال تحقیق و تدقیق کشیدند . در اطاق اختتامی این کنسکره ( قرب دین به علم ) اعلان و کنسکره با ذوق و شوق عظیمی منحل گردید .

پس از ختم این کنسکره یک کنسکره دیگر به نام ( کنسکره ادیان ) در لندن انعقاد یافت این کنسکره از طرف اهل ادیانیکه در داخل امپراطوری انگلستان میباشند و مئثلین تمام ادیان منبروره در کنسکره شرکت داشتند ، تحت مراقبت و حمايه ( جمعیت تدفینات شرقیه و اجتماعیات ) لندن کشاده شد .

سر ( دابنسن راس ) که کنسکره از طرف او ترتیب یافت مشارالیه برای ابضاح منظور خویش در مقاله که در این زمینیه نگاشته بود میگوید : تقدیر بالحق مریدین متوقف است به ابضاح دین منبرور از طرف کسانیکه با ذات به آن دین ایمان دارند اشخاصیکه علاقه مندی به دانستن ادیان دارند و تا اینوقت چنین موقع برای شان دست نداده و خود شان هم سیاحت خارج را نکرده نسبت به ادیان مستقیما از زبان پیروان آن ابضاحات نشنیده اند و معلومات ندارند ، چیزیکه از ادیان دیده اند عرض بیکر ( اسکلت ) ها یعنی استغفوان بندی آن بوده . اگر چه تا این موقع در داخل امپراطوری انگلستان کتابهای بی شمار نسبت به ادیان مختلفه نوشته شده است ولی محررین این آثار همه نصرانی بودند لاجرم آنچه نوشته اند از نقطه نظر خود یعنی نصرانیت نوشته اند و معلوم است همچو کتاب هاییکه ازین نقطه نظر نوشته شده باشد برای تأمین مقصد اصلی که دانستن روح و حقیقت ادیان است کافی نیست . احوال مریدین را از زبان متدینین به همان دین با لذات شنیدن قیمت بزرگی دارد این کنسکره تمام اهل ادیان که در داخل امپراطوری انگلستان زنده گانی دارند مقصد منبرور را تأمین مینماید .

چون که این کنسکره ادیان بر نمائنده های تمام ادیانیکه پیروان آنها در داخل امپراطوری انگلستان وجود دارند ، محتویات ، مهم ترین ادیان را که بر روی زمین است به پیکرام می آورد امپراطوری انگلستان از ( ۴۶۰ ) مایون انسان متشکل است که سدس این عده نصرانی است و مسلمانها دوبرابر نصرانیها و هندوها دوبرابر مسلمانها بوده بالغ به ( ۲۱۰ ) ملیون میشوند در کنسکره میان مئثلین ادیان مختلفه مباحثات و مناقشات واقع

نیشود . مسئله استعمال تعبیرات خصومتکارانه و تشقیدات شدید فاش شده های ادیان نسبت به یکدیگرشان چنانچه در پارلمان بین المللی ادیان در شیکاگو و کنسکره های تاریخ ادیان در بروکسل ولیدن و پاریس و اسکوفورد از سبب مساعدت در اجرای مناقشات وقوع رسیده بود ، در این کنسکره نامین شده و نظر به همین تأمین قرار داده شده که از طرف مئثلین ادیان فقط یک لایحه بیا به نسبت به دینیکه به آن نسبت دارند بشرطیکه که متجاوز از ( ۹۰۰۰ ) کلمه نباشد قبول و برای تأمین وحدت ، بیا به مذکور نیلا از طرف یک هیئت متخصصه تدقیق میشود . سردابنسون راس در ضمن نطقی که ایراد نمود فرمود اورا بیکه از طرف مئثلین ادیان باین کنسکره فرستاده شده در دو جلد بصورت یک اثر و کتاب تشکیل داده طبع بشود .

میرآلای ( فرانسیس نیک هزیند ) در نطق خود که بتقریب افتتاح کنسکره ایراد نموده ، اظهار داشت : مسلمانها در امپراطوری انگلیسی از نصاری کرده بیشتر هستند ! استناد امپراطوری انگلیس بر تشکیلات سیاسی و استیلاقات اقتصادی اهمیت ندارد حتی است که آن را بر اساسات دینی قائم داریم وطن دوستی و وطن پروری برای این مقصد کافی نیست بالای اساس وطن پروری حیات دیانت پرستی را باید آورد .

این کنسکره که تا یک هفته دوام کرد ، در جلسه دوم آن نسبت به ( دین اسلام ) تدقیقات بعمل آمد در این جلسه کنسکره پرور شور ( مارکیاموت ) مقام ریاست را اشغال نمود و اجتماع به قرائت نمودن امام مسجد و وکنک لندن یک رکوع از قرآن شریف را شروع گردید . معلوماتیکه نسبت به قواعد سیاسی اسلام از طرف حواجه کمال الدین احضار شده بود ( اوسم علی افندی ) قرائت نمود .

متعاقب آن ، اثریکه دایره مذهب شیمه یک نفر از علمای بغداد شیخ ( خادم ) نوشته بود از طرف ( سر توماس آرنوک ) خوانده شد . اهل تشیع را که عددشان بالغ به ( ۷۰ ) ملیون است آنها را اروپاییها مثل اهل سنت نمیشناسند و اثر مذکور شیخ ( خادم ) در این وادی اعطای معلومات نمود ، ازین اعتبار کنسکره نسبت به اثر شیخ خادم اظهار داشت که حاز اهمیت است . متعاقب قرائت اثر شیخ خادم که شیعیت را ابضاح نمود جلسه تقبیل شد ، در اجتماع دوم این جلسه وکیل رئیس دارالفنون ( دورهام ) سر ( تیودور مورین ) کرسی ریاست را اشغال نمود . موسی الیه میرزا بشیرالدین محمود رئیس فرقه افراطی مذهب قادیانی را بحضور حاضرین بصندت خلیفه ثانی ( میرزا علام احمد مسیح موعود ) تقدیم داشت . میرزا محمود

قادیانی نمیتوانست وعادت هم نداشت که چند ساعت متوالیا بحضور ( ۱۲۰۰۰ ) نفر هم نطق کنند و هم لایحه را که نوشته بود قرائت نماید بناه علیه به یکی از کاتب ها رجاء کرد تا نطق او را که احضار نموده بود قرائت نماید . این نطق خلاصه یک رساله صد صفحه بود .

در این کنسکره علاقه مندی ما با یاباناییکه به نام اسلام ایراد و ابضاح شده بلاشبه بیشتر است در رجال مسلمان هندوستان علمای اسلامی که بتوانند دین اسلام را گامی و بطور حقیقی ابضاح نمایند بسیار است . تا اینوقت از مطالعه مطبوعات انگلیسی به دانستن تمام اشخاصیکه برای نمایندگی از طرف دین اسلام در این کنسکره شرکت داشتند موفق نشدیم . فقط چیزیکه از مطبوعات انگلیسی در این زمینیه استفاد گردید این بود که ازین اشخاصیکه نسبت به دین اسلام ایراد مقال نموده اند یک نفر آنها را کمال اهمیت یاد کرده اند و آن رئیس مذهب قادیانی ( خلیفه مسیح ) میرزا بشیرالدین احمد پسر میرزا غلام احمد است که باعث اهمیت دادن مطبوعات لندن به خلیفه مسیح از دو مقاله که در امان افغان چند روز قبل نسبت بقتل ملا نعمت الله نگارش یافته به قارئین محترم ابضاح می گردد و مؤید نگارشات مذکور است قول صریح این کنسکره ( سر دینسن راس ) نسبت به دین احمدی که می گوید : مذهب احمدی از سبب اعتراف او به حریت دنیایه با هر حکومت که از آن مستفید می شود ارازا صداقت می نماید . این کلام سر دینسن راس سیاسی بودن مذهب قادیانی را ابضاح و صداقت او را با انگلستان اثبات می نماید .

می گویند در انتخاب نماینده های اسلامی در این کنسکره یک عده مقاصد سیاسی که در هیچ مورد مد نظر است اعمال نشده بود . به عقیده ما میرزا بشیر الدین از مقالی که نسبت به دین اسلام در این کنسکره ایراد داشت حقیقت و ماهیت مذهب قادیانی را که امروز خودش ریاست می کند به عالم نشان داد که چیست و برای چیست ؟ ما امیدواری بسیار داریم که غیر از ( خلیفه مسیح ) دیگر افضل علمای اسلام نیز در حق اسلام معلومات نامه داده جهان را شور نمایند . در مجلس دیگر این کنسکره ، دین بودا ، دین زردشت دین سک و مذهب تصوف موضوع بحث گردید . در آخر هفته مذهب برهما سماج ( گروه برهنه ) و مذهب آریه سماج ( گروه آریه ) که از جمله مذاهب هند است . و مذهب بهائی و مثل اینها بعضی مذاهب دیگر که تازه ظهور نموده تدقیق شد

مذهب بهائی در امریکا بسیار انتشار یافته مذهب بهائی را در این کشوره رئیس حاضره این حرکت ( شوق افندی ) و نواسه عبدالها ( روح افغان ) تمثيل می نمودند .

علاوه از ادیان فوق الذکر ادیان ابتدائیه قبائلیکه در شرق و غرب افریقا سکونت دارند نیز موضوع بحث گردد . به اختتام تمام این همه تدقیقات ، کنکره بهره دیگر رفته مسئله تدقیق روحیات واجتماعیات دین و مسئله مهمه منشاء دین در میان انداخته شد . تدقیقاتیکه در این وادی عرض و بیان شد از نقطه نظر مشاهدات سیاحان و بیولوژی ( علم حیات ) و انترولوجی ( علم طبایع بشر ) ، اقتصاد جغرافیا ، روحیات و تاریخ و فلسفه بود نظر به ترتیبات و تدقیقات این کنکره بصورت فوق الذکر ، عقاید وافکاریکه اران بین البشر نشر میشود انسان را تأمین میدهند که افکار و عقاید مزبور به مال مشترک هموم مردم است .

از حوادث و جریانات فوق الذکر نتیجه که بخاطر حاصل می شود این است که در مملکت های مسعودیکه علم ترقی کرده در حیات شان دین روز بروز جان میگیرد . حال آن که در ممالیکه سوبه علمیه شان مثل ماستندی است حیات علم مثل حیات دین از خاطرها رفته . محیط هائی که به استیلاء فضائج و قبایح اروپا دوجار است ویا دارد دوجار شود اگر ازین آفت های مخربیکار اروپا صیانت نفس نکنند بحقق است که اقیانوس مذکور هر گامی را که دران محیط در راه مدنیت حقیقی ، انداخته شود ، هرگونه ذل مساعی را که در راه ترقی حقیقی نموده شود ، عقیم خواهد گرد . اگر چه ارتقای ماه همچو یک سوبه عامیه و ایست به مساعی بدینا است لکن حکم غالبه عقل و بصیرت قطع امید نباید کرد .

( افغانستان کنونی )

هموطنان محترم عقاید برادران همبیز ایرانی تان را نسبت بخود باغور مطالعه کنید ( امان افغان )

از جریده شریفه جبل المتین

افغانستان مملکتی نیست که تازه با مرصه وجود گذارده باشد تا آنرا بهموطنان همبیز معرفی نمائیم ، دیرگاهی است که ایرانی افغانستان را می شناسد . روابط معنوی و ارتباطات ظاهری داشته و هر فرد ایرانی میتواند بقدر کفایت در تارخچه این مملکت صحبت کرده و خاطرات خویش را بقیین نماید . ولی باید اقرار کرد که با موقفیت امروزه افغانستان و ایران این خاطره ها و اطلاعات کافی نیستند همان قسمی که ایران چندین

سال قبل با ایران کنونی شباهتی ندارد افغانستان امروز هم افغانستان ده سال پیش نیست . امروز باید ایرانی با افغانستان بطوریکه لایق و شایسته اوست توجه کرده و ملت و مملکتی را که از حیث مذهب ، نژاد ، زبان احساسات و حتی سرخوش با او کامل یکسان خلق شده خوب تر بشناسد .

باید ایرانی تصدیق کند که داشتن یک قاید و پیشه اثنی لائق چگونه در مدت و ظرف قلیل ملتی میتواند رتبه و مقام خود را حاز کشته ، زینت خویش را به تمام عالم ظاهر نماید .

افغانستان سالها سختی دید ، زحمت کشید عمر خود را در انقلاب گذراند ، فدائی ها داد جوان ها را قربانی نمود و امروز خوشبختانه قدخیمه اش راست نموده و با روی خویش بعالیمان نشان داده ، و حق حیات خود را ثابت می کنند .

قریب شش سال است که دوره مشتمع زندگانی افغانی شروع شده ، در ظل توجهات و مساعی امیر جوان و قهرمان فداکار خود که تحصیل استقلال کرده با قدم های سر بی بجانب تمدن و ترقی پیش می رود .

در بدو جلوس خود یعنی همان موقی که از خجایع و آثار جنگ بین المللی تمام دنیا میسوخت اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان باهور و جسارت مشرعی که از صفات مخصوصه مردمان بزرگ و زبنده سلاطین عظیم است ، کمر برای استقلال افغانستان بسته بسلسله فداکاری ها یک حقیقتاً زینت دوره تدریج افغانی بشمار می رود شاهد مقصود را به بر گرفت .

ملت نجیب و شجاع افغان درین موقی به تمام عالم فهمانید که دوره تسلیم سپری شده و با داشتن چنین یک امیر جوان باید حاکمیت خویش را دارا گردد ، افغانستان مستقل شد ولی این سلطان روشن فکر میدانست که افغانستان باید شایسته زندگانی و برابری با دول متمدنه عالم بشود باید ریشه های از هم کسینخته را جمع آوری نموده و انتظامات جدید و جدی برقرار نماید .

قانون در افغانستان نمونه نداشته ، معارف منحصر بیک مدرسه در شهر کابل ، آن هم اسمی بود بلاسمی ، نظام آن با همان اصول قدیمه اداره می شد از تشکیلات وزارتی و اداری و غیره چیزی بنظر نمی رسید .

آزوز هم افغانستان شخصیت بین المللی نداشت ولی امروز که مستقل شده باید در ردیف دول متمدنه دنیا عرض ایدام نماید همان بود که اعلیحضرت امیرپس از تحصیل استقلال فکر خود را به اصلاح این امور حیاتی معطوف ساخته ، پس از وضع و تدوین یک رشته قوانین و نظام نامیا بهترین وجه را خواستن یک عده

معلمین و متخصصین خارجی دانست و فوراً امر به استخدام آنها صادر فرمود .

این مصلح مقتدر میدانست که روح مملکت ، در معارف و نظام است ، پیشتر اوقات روزانه خود را به سرپرستی و نظارت امور معارفی و عسکری میگذراند ، گذشته ازان که در تمام شهرهای افغانستان مدارس با اصول جدیده تاسیس شده در غالب دهات و قراه مکانی به اقتضای محل و موقفیت دایر ، به ترتیب نوبت و باوگان افغان اشتغال دارند . عده زیادی معلمین متخصص کار آگاه ، از ایران ، فرانسه ، آلمان برای تاسیس و تعلیم در مدارس مختلفه خواسته شده و اکنون در کابل بانهایت جدیت مشغول کار هستند ، بودجه این مدارس هر چند خیلی کم است ولی فقط یک برهقم آرا ملت تادیه نموده و باقی را دولت میپردازد .

محصلین اعزامی به ممالک مختلفه اروپا از سه صد متجاوز است عده از آنها در برلن عده در پاریس مشغول تکمیل خود در شعب مختلفه علوم و صنایع و چند نفری نیز در ایتالیا به تحصیل در مکتب هوا نوردی اشتغال دارند .

در بعضی از شمارهای روزنامه آزادی شرق منطبعه برلن و جریده شریفه امان افغان کرار های این برادران محبوب و جوانان خود را بانهایت خوشحالی و شغف مشاهده کرده و می گم برای تعلیم نظام در سالهای اول جلوس معلمین از ترکیه آمده و مدرسه نظام در شهر کابل و هم چنین در بعضی از شهر های دیگر تشکیل گردیده است ، اینک نیز از چندی است که معلمین المانی برای این مدارس انتخاب و استخدام شده و بکابل هم ورود نموده اند .

اعلیحضرت امیر به نظام عشق و علاقه مخصوصی دارد ، در نمایشات عسکری و مانورهای قشونی همیشه شخصاً حاضر می شود ، افراد نظامی مشمول الطاف و مراحم مخصوصه ایشان هستند . صاحب منصبان لایق که چه در دوره قبل از جلوس و چه در مدت سلطنت کنونی خدماتی نموده اند فوق العاده محبوب و معزز میباشند . غالباً مشاغل و مناصب بزرگ دولتی بعهده آنان مفوض است .

سردار محمدنادر خان وزیر حربیه سابق افغانستان یکی از فداکاران جنگ استقلال و از فرزندان نامی افغانستان بود و غالباً در غیاب اعلیحضرت نظارت بحسن جریان امور داشت این است قدر دانی اعلیحضرت امیر امان الله خان که با این روح و احساسات ملت را درد امان خود پرورش داده و آیه درخشانی از افغانستان بعالیمان نشان میدهد .

فرداً فرد کارداران و مستخدمین خود را می شناسد تراکم امور فکر و اراده خویش را از کار باز نمیدارد ، باز صبح تا ساعت آخرین شب در طرق کار خود لاشسته و دائماً بوسیله چند دستکاه تیافون که در دست اوست شخصاً به تمام جزویات امور رسیدگی کرده دستورات لازم میدهد .

حوادث و اتفاقات را با یکل خون سردی تاقی نموده از مصائب ملت خویش سخت متأثر می گردد ، هر یک را بوسایلی تسکین میدهد ای ملت افغان و ای افغانستان ما از صمیم قلب ترا بیک چنین شهریار هوشمند ملت پرور ملت دوست تبریک می گویم .

باش تا صبح دولت بدمسد  
کاین هنوز از علایم سحر است

احساسات و آمال اعلیحضرت امیر امان الله خان را نسبت به اسلام ، و ممالک اسلامی اگر بخوایم شرح دهیم که واقعاً .

شعوی هفتاد من کاغذ شود

مکرر شنیده شده که در نطق های خویش به این مضنون از خدای خود التماس کرده است : الهیا ورب العالمینا به این بنده عاجز و نوفیق عنایت فرما ، کاختیالات و آرزو هائی که برای اسلام و اسلامیان و کلیه ممالک اسلامی دارم به موقع عمل بیآورم ، یکی از مواد معامله افغان و روس آزادی بخار است ، در موقع کنفرانس لوزان ، جناب اشلی محمود خان طرزی وزیر مختار سابق افغانی در پاریس و وزیر خارجه فعلی ، به امر اعلیحضرت تاجدار خود با دربار های مغلغه اروپا برله ترکیه داخل مذاکره شد ، ایران را همین اعلیحضرت برادر بزرگ افغان و افراد ایرانی را برادران و عزیزان خود ، خطاب میفرماید ، اطلاق که در موقع امضای عهدنامه افغان و ایران در حضور چندین هزار نفر از ملت خود ایراد فرموده و احساساتی که نسبت به ایران و ایرانی ظاهر ساختند قلب هم ایرانی و اتقی را منقلب و مرنهش میباید .

اعلیحضرت امیر در طی انعام خود خطاب به ملت ایران کرده میفرماید ، به ایران عرض می کنم :

حیف است نصیب دشمنان تویم . در دو توبحان دوستانت با دانا نویسنده مطالبی از کابل نوشت که : در لوی جر که ، با مجلس بزرگی که در دومه قبل از نمایندگان ملت در تحت ریاست شخص اعلیحضرت تشکیل گردیده بود عملیات دوره پنج سال سلطنت طرح و یک یک به تصویب نمایندگان ملت رسید ، در موقی که میبایست مذاکره از معاهده منعقد افغان و ایران بعمل آید ، اعلیحضرت امیر اطلاق مفضل ایراد کرده و به حاضرین مجلس که متجاوز از هزار نفر بودند ، خطاب فرموده

قبل ازین که داخل در قرائت معاهده و مذاکرات کونا کون شویم میخواهیم اراده و خیالات خود را درین مورد بشاهشاهمانم .

ایران مملکتی است که از حیث مذهب و نژاد و کیفیات جغرافیائی کاملاً به افغانستان مشابه تشکیل گردیده ، سعادت ایران ، سعادت افغانستان ، و خوشبختی ایران همان خوشبختی افغانستان است . اگر خدای غفوارسته حادثه برای ایران رخ دهد ، هر قومیکه حقیقتاً خود را مسلمان داند و خصوصاً افغانستان باید کاملاً دران سهم و شریک باشد ، ایران تنها مملکتی است که خداوند جل جلاله برای کمک و استعانت ظاهری و معنوی افغانستان آن را مهیا کرده و با افغانستان اشتراک مساعی خواهد نمود ، این است که بشما که نمایندگان ملت من و همبازان من هستید می گویم که در موضوع ایران کوچک ترین سهمی که برخلاف این عقیده من باشد و باعث اختلاف نظری گردد نمی خواهم شنیده شود . ز بران دوستی ایران را با هیچ چیز برابر ندانسته و از دست نخواهم داد ، میل دارم همان قومی که اتحاد و یگانگی بین دولت افغانستان و ایران مستحکم است فرداً فرد افغانی نیز برادران ایرانی خود را با نظر بر از مهر و محبت ننگریسته و دوستی و ودادی که من آرزو دارم بین افراد ملت من برقرار باشد .

این است اسلامیت این پادشاه جوان و این است احساساتی که نسبت به ایران و ایرانی همیشه ظاهر ساخته و میسازد ایرانی کی میتواند این سیل عاطفه را از خاطر محو کند ، ایران همیشه بایک قلب صاف و پیشانی کشاده بسوی افغانستان ننگریسته و از سهم دل بقای موفقیت این سلطان اسلامی را خواستار است غایبات که دراز تریکی روابط سیاسی افغان و هند اخیراً در طهران دیده شد ، و کنفرانس و مینتک های که ملت در مساجد و حتی در سفارت خانه های دول اسلامی دادند عقاید و نظریات ما را کاملاً تأیید مینماید .

امروز که الحمد لله قهرمان مقتدری مثل آقای سردار سپه رئیس الوزرای کنونی در ایران زمام اختیارات را بدست گرفته با عقیده يك و راستی که در ترقی اسلام و ممالک اسلامی دارد با قدم های سریع و در عین حال مشیتی که برای پیروزی ایران باستانی برداشته و میدارد امیدوارم پیش از پیش از سلطنت این دولت هم خون اسلامی مشید و محکم گردیده و روح تازه بکالبد اسلام دمیده شود .

این بود سخن من از وضعیت کنونی افغانستان و اخلاق

و نظریات و احساسات اعلیحضرت قزاقی امیر امان الله خان که حسب الوظیفه به اطلاع هموطنان عزیز رسانیدم و امید واریم که باز هم توفیق یافته اطلاعات و عقاید خود را مفصلاً بمرض قارئین محترم برسانیم .

( اطلاعات علمی و فنی )

مصاحبه با عالم معروف جرمنی دا کتر ( آر کو )  
دا کتر آر کو که یکی از مهندسیین معروف تلگراف بی سیم ( رادیو - تخنیک ) مؤسس و مدیر بزرگترین مراکز تلگراف بی سیم موسوم به ( ناتوسن ) واقع در نزدیکی برلن ، پای تخت جرمنی بشمار میرود ، در مصاحبه خود با منجر روز نامه پراودا ( راستی ) بیانات آتی را ایراد می نماید :

مقصد من از هنریت روسیه عبارت است از ایجاد يك رابطه منظم و يك اجتماع دائمی مابین متبحرین علم و فن روسیه شوروی و جرمنی .

شما راجع بحال امروزه فن تلگراف بی سیم ( رادیو ) و پیشرفت آتی او ازین سوال می نمائید .

در سال ۱۸۹۶ میلادی ، مار کونی ، نامی در ایتالیا تلگراف بی سیم را اختراع نموده بواسطه همین اختراع خود يك آلت مقتدر مهم عرفان بخشی به عالم بشر بخشش نمود . این آلت فی نظر براهیت خود چنین آلتی بود که دایره ممالک متفرقه برای استعمال افرادی این آلت نهایت تنگ بنظر آمده چند سالی نگذشت که در نتیجه کثرت توسیع آن تشکیل يك مجلس عمومی عالم لازم آمد . حالیه این فن مقامی را حاز کرده که در تمام نقاط دنیا شنیدن ، فهم و درک کلیه اخبار از یک بواسطه مراکز ، رادیو ، و مخاره میشوند امکان دارد . آمداد مراکز ، رادیو ، روز بروز درازتر است لهذا خیلی لازم و بحال است که يك تشکیلات عمومی مراکز رادیوی عالم در این موقع به عرصه ظهور قدم گذارد .

مخارات بی سیم که در روزتها برای مخارات حربی و سیاسی بکار رده میشد در این اواخر بیشتر از همه به عالم اقتصادی و صنایع خدمت میکنند . بواسطه این فن مهم است که خدمت عناق و مدنیات عموم بشر امکان پذیر آشته پیشرفت جدیدی در این محیط ظاهر و هویدا میگردد .

دفع مسافت و امروز حقیقت پیدا نموده چنانچه هر کسی میتواند به تمام دنیا اقادات خود را بیان نماید و همچنین میتواند نطق يك نفر را که در یکی از دور ترین نقاط کره ارض ایراد میشود اصفا نموده بدین طریق خود را داخل حوزه افکار عمومی نماید . بگانه آرزوی من مساعدت به ایجاد این مقصد قافی

بشر است و من میخواهم که مملکت کبیر و حیرت انگیز روسیه نیز داخل این خط را دیوی عمومی شده یکی از مختصرین ، دهندگان و گیرندگان قوای تمدن محسوب شود .

در خصوص ترقیات جدید فن رادیو در جرمنی دا کتر آر کو میگوید که تکامل این فن بدو طریق پیش میرود ، ۱ - تزئید محصول کار بواسطه سرعت کار که با وساطه قیمت خدمت رادیو هم ارزانتر میشود ، ۲ - تکمیل خود فن و تشکیلات اداره کی آن .

پس از آنکه ترقیات فن رادیو با اندازه رسید که مانند يك پول ربط گشته دورترین نقاط عالم را بهم دیگر مرتبط ساخت مسئله نازک پیش آمد : تأسیس مراکز رادیو و تشکیلات اداره وی آن با مصرف مخارج کم و محصول فایده زیاد .

امروز عمده ترین مخارج مراکز رادیو را مواجب نامورین مخاره تشکیل میدهد زیرا که انسان خیلی زیاد هستند مثلاً در خط اقیانوس اطلس مراکز رادیو تعداد کزانی بالغ با کشته و دایر کردن آنها تقریباً دوازده مناره آهنی که بلندی آنها با اندازه ۲۵۰ - ۲۷۵ متر باشد لازم دارد .

مساعدت کاران رادیو سهی میکنیم که تعداد اشکونه مناره های کران با تعداد ماشین هایی را که بواسطه قوه برق کار میکنند همین تعداد نظری کارکنان مراکز رادیو را بحداقل برسانیم : ما جهد میکنیم که ماشین های مخاره رادیو را تکمیل نموده قناعت زیادی را تأمل شویم .

در جرمنی برای ما ممکن شده است که خط رادیو را به خط پوست و تلگراف بی سیم دار حکومتی داخل نمایم . البته این را موفقیت تشکیلاتی میتوان نامید نه موفقیت فنی . مقصد این است مخاراتی که کرده میشود بصرف زحمت خیلی کم در طرف مدت قلیلی از مخبر به مخاره شونده رشد بدین واسطه از خط تلگراف بی سیم دار پوست نیز استفاده فوق العاده کرده میشود بعد راجع به جمعیت ، قوانین - تخنیک - اوسر و که در جرمنی تشکیل شده است و در زمره تشکیل کنندگان آن جمعیت هم مراهمی الشنن ، مانچوس و دیگران دا کتر آر کو نیز بوده گفتگو بعمل آمد .

دا کتر آر کو در خصوص مدلول اساسی تشکیل این جمعیت بیان مینماید :  
ما معتقدیم که هر مدنیکی اساساً در روی اساس سعادت و در نتیجه تطبیق دانش انسان بدوره عمل و زحمت بوجود آمده است .  
مقصد صنعت ( تخنیک ) عبارتست از آزاد نمودن بشر از زحمت بواسطه ماشین کار خانه عالی باید از اشخاص کم و از

ماشین های که بواسطه فشار بیج های معینه مریک ماشین از طرف يك ماشین مرکزی - اداره میشوند متشکل باشد لازم است زحمت کم صرف نمود و فایده زیاد بدست آورد . برای نیل فوری این مقصد واجب است که هر چه زود تر همه تجربیات و علوم بشری بکار برده شود .

مقصد جمعیت فوق را بدو گله میتوان گفت که عبارت است از انتشار علوم و تجربیات صنعتی و بکار بردن همه نتائج و موفقیت های علمی در بین عموم رنجبران روسیه و جرمنی از قراریکه دا کتر آر کو میگوید در راه تشکیل این جمعیت ( پرفورس ، آ . لیوتین ) خیلی زیاد کوشیده است . کوشش این جمعیت برای انتشار نظری این علوم نیست بلکه تطبیق آن است به حیات اقتصادی که بدین واسطه برای زحمت کشان تخفیف زحمت شده و در نتیجه صرف اندک زحمت منفعت زیاد بدست خواهد آمد مقصد نه تنها عبارتست از انتشار کتب جدید و راجع به این فن بلکه تطبیق اصول جدید این علوم است به عمل و زحمت امیدوارم که در موقع بودم در ( ماسکو ) به جلب نظر دوار حکومتی و اجتهای بطرف مقاصد جمعیت فوقی اندک و همچنین به جلب اداره جات علمی و اجتهای بجهت اشتراک ورزی در این جمعیت موفق شوم .

ترجمه از روسی مترجم م . ل .

عصیان ما در اروپا

به قلم میرزا خدادادخان سرکاتب سفارت افغانستان در پاریس که تازه از پاریس وارد کابل شده اند  
خداوند متعال چون قومی را از حالت دولت به جاه سعادت رسیدن میخواهد زمام مهیام ارا بدست پادشاهی میسپارد که علاوه بر آنکه وطن خود را استقلال و آزادی نام داده ، اطراف ارا بجزاغهای معارف منور میسازد ، فرستادن يك عده از فرزندان خود باروبا نیز بذل توجه میفرماید ، و آن اولادهای معنوی خود را در يك قطعه مجبور اروپا با شعار اسلامی مطابق مذهب حنفی اداره و تربیه می نماید . آیا آزادت عالی کیست ؟ آن وجود سعادت آمود می ملت افغان ( اعلیحضرت ) ایرانمان خان است که این جمله ولوله و هنگامه سعادت افغانستان به نیروی بازوی سردانه او فراهم آمده است .

الغرض خودم که بقریب از اروپا آمده ام هر قدر تحفه که قابل تقدیم نمودن حضور اولیای فرزندان ما در اروپا واتی هموطنان همزمان باشد بجز آنکه فرسی از کوائف حیاتیه شباهت رزوی اولادهای معارف وطن در ممالک اروپا از مشاهدات خود مزده رویدی دهم دیگر نیافتم . این است که بطور خاص میگویم

امروز نه تنها اولادهاى ما و شما ، در اروپا براى تحصیلات رفته بلکه از سایر نقاط اسلامی چون شام ، ایران ، مصر و غیره نیز از اوطان خود برای کسب علوم رهسپار محال اروپا گردیدند لیک ( من بیده الله فلا مضل له و من یضلل فلا هادی له ) قومی را خداوند هدایت کند در هر جا هادی اوست ، اولادهاى ما در اروپا مسلمان های راستی الاعتقاد است که به پابندی صلوات بخاکه وصوم و تلاوت قرآن کریم بکمال احلاس مشغول بوده و در ادامه آن از مصمم دل متوجه بوده بمنوعات و محرمات نه باحاط نظر و مراقبت احوال شان بل از ترس خداوند و برسان روز حشر برهیزی کنند با هم به ارضاع برادرانه که فرق شهزاده و دیگران کرده می شود زیست مینمایند

یقین دارم که از اکثر ما ریش سفیدان نمازهای صبح فوت میشود ولی از آن معصومان وطن ممکن نیست که قضا شود . محبت وطن چنان در دلهاى شان شعله و راست ممکن نیست که دقیقه از دقائق اوقات خود را بپوده صرف کرده پس از نجاش آوردن احکام خداوندی ، صرف تعلیمات خود نمایند . نافور وارد خاک پاک وطن خود گردیده خارزار وطن را بکالات خود لاله زار نمایند .

می شنیدیم که رفتن اروپا برای الهیان مضرات میرساند ولی چون رقم دیدم اولادهاى وطن خود را به دین داری و اسلامیت شعاری شان مستحکم یافتیم و با خود تصمیم نمودم که در آینده مرا بچه از اسباب حیاتیه داشته باشم آن جمله را صدقه تعلیم اطفال خورد سال خود نموده آن هارا برای کسب علوم در اروپا بفرستم و دیگر برادران خود را تشویق و ترغیب نمایم ، همه صورت به آقایان و برادران وطن خود تسلی داده بگویم و کفی بالله شهیدا قسم است بخدا که اولادهاى شما مسلمان با ایمان وطن دوست افتقایت خواه اند و قریب به نوجبهات جهاندراجات علی حضرت غازی وطن شما بتوسط اولادهاى مسلمان شما مثمر انواع کالات گردیده وطن از ایشان و ایشان از وطن مستفید خواهد گردید و بحسن خدمات جان نثارانه خود رضامندی خدا و رسول و پادشاه اسلامیت خواه غازی خود و شما کلانان وطن را حاصل خواهند نمود . زیاده بدای از دیاد عمر اینجین پادشاه ملت دوست و زرق خواه افغانیان حتم کلام مینمایم .

قضیه سمت جنوبی

در این روزها واقعه تازه ظهور نموده غیر از اینکه عساکر از کون داخل قلب جدران شدند و نقاط حا که و مواقع مهمه را تصرف کردند البته که عسکر پنجم پیش قدمی جنگی با مخالفین

آن حدود کرده اند . در همین روزها طیارها نیز از کابل به آن طرف پرواز کرده رفتند و بعد از یک ساعت و چند دقیقه پس آمدند . چون که عساکر از کون پیش قدمی نموده داخل قلب جدران شده اند همانا که عساکر زرمات بحمی آنها وارد از کون و عساکر گردیز بجای عساکر زرمات وارد زرمات گردیده باشند ، و شما علیه یک قطعه عسکری به نازکی از مسراتز به طرف گردیز سوق گردید که جای عساکر سابق انجارا اشغال نماید . بعد از آن که حضرت عالی و وزیر صاحب حربیه با فکر صاحب و شجاعت قلبی قضیه زرمات را تمام نمود و وار مردم را رغل گرفتند و غالب طوائف منکمل نیز از درانایت و عذر خواهی پیش آمده خود را بحکومت تسلیم نمودند ، اهمیت قضیه سمت جنوبی از میان رفته کسی از آن ذکر می کنند ، گمانیکه از وقایع انجاشا اطلاعات عامی فرستادند از طرف آنها هم اطلاع نازده در این چند روز رسیده اگر چیزی رسیده حاصلش این است که الحمد لله خیریت و امنیت کلی بهر طرف حکم فرما بوده غیر از دست گیر نمودن و یا عدم کردن چند نفر رئیس اشترار چیز دیگر نموده و حضرت عالی و وزیر صاحب حربیه در این باب هم تدبیر کلی سنجیده اند که عنقریب بمراه خویش موفق خواهند شد .

اگر چه مسئله قریب به تمامی کلی است و نظر به جدیدیت و کاردانی حضرت عالی و وزیر صاحب حربیه که تدبیر عالیه و عملیات قیمتمدار و مساعی جمیله شان در این قضیه اظهار من الشمس و قابل بسی تقدیر و تعجب است ، بایستی خطر و مخاطرات خطور نکنند ولی می باید هر چه زودتر قضیه قعای اصفیه بشود تا یک مقدار عسکر بقدر کفایت انجاشا مانده در نقاط لازمه مسکرهاى خود را درست نموده راحت کنند و باقی پس به کابل مراجعت نماید . اهالی نیز از در بدری وحشت و خشیت ، فکر مجازات و غیره برآمده خاطر های شان مطمئن گشته مشغول کسب و کار و تاملین حیات خود بشوند ، و کله های شان از افکار فاسده بواسطه اشتغال به کار فراغت یافته کسب آرامی کنند و چرخهای امور کشوری به کار افتاده مامورین بزرگ دوباره به کارهای خود عودت نمایند .

به عقیده ما و نظر به بیان فسوق القکر اکنون غیر از همین دستگیر کردن دوسه نفر رئیس اشترار که از خبثات طینت و تحریک ارباب غرض مردم را به آرامی نمیکذارند چیز دیگر نمائند زیرا که اگر این چند نفر در آن حدود و نزدیکی ها موجود باشند ، باز مردم را اغوا کرده بشورش می آرند ، لکن قرار افروا و بنقض علامات چنان معلوم می شود که این مفسدین از تعدد مامورین بزرگ استفاده کرده گاهی بایک طرف مسراوت پیدا

کرده اظهار اطاعت و انقیاد نموده می آید بایک فردا پس فردا خدمت حاضر می شویم و خود را تسلیم می کنیم اما چند روز آن استوار نگذاریدند بایک مامور دیگر که بسمت دیگر است داخل همان مذاکرات می شوند آحراروا هم قریب داد بادیگری قریب می جویند و این مامورین هم برای اینکه حسرت کار بنام اوشان بشود به اظهارات آن مفسدین قریب بیخورد و دلخوش می شوند که اصل مقصود بدست من افتاد ، و شاید آنها را در مقابل بسوی خود بیشتر از دیگری تطمیع هم بکنند . ازین باعث دردستگیری اشترار تمویق واقع می شود .

اگر فکر فوق مادر دست باشد لازم است که بکنفر از مامورین بزرگ در انجاشا مانده دیگران حواست شود . تا کار به یک فکر و بیک راه بدرستی و زودی صورت تمامی بگیرد و خطرات موهومه بکلی از میان رود . مقصود رفع غلبه است تمام نشیدن حضرت ایگه انجاشا هستند همه صاحب نام و نشان ، عزت و اعتبار بوده بیات و عملیات شان محمهور معلوم است ، و از خدمات تمام ایشان از سپاهی گرفته تا وزیر حرب نشر می کنند و هر کدام را قانع منکمل میداند .

آمدن قادیانیها به کابل برای مناظره لزوم ندارد

رئیس قادیانیها بعد از قتل نعمت الله بنابر غیظ و غضب مفرط نسبت به افغانستان به پیروان خود اظهار داشت که ایستی کنون با افغانستان اعلان حرب دینی بدهید یعنی تمام مردم افغانستان را قادیانی بسازید باین قریب که یک عدد بزرگی از اولادهاى اعیان و بزرگان افغانستان را بواسطه قادیانیهای افغانستان وا کر نشود بواسطه قادیانیهای سرحدی و افغانهای سنجی به قادیان احضار نمایند و دوسه ماه به و شان عقیده و تعلیمات قادیانی را تلقین کرده بعد از آن که معتقد عقیده قادیانی شدند رای تلقین تبلیغ به افغانستان بفرستند این جوانها که کسی به آنها از سبب فرود خاندانی شان متعرض نمیکرد در ظرف چند سال تمام مردم افغانستان را داخل سلسله قادیانی خواهند ساخت / چند روز پیش شنیدیم که غلام احمد نام پسر جناب علی احمد خان رئیس هیئت نظمییه سمت مشرقی از جلال آباد فرار کرده لاهور رفته است ، شاید او را کدام قادیانی کربختانده برده باشد ؟

یک تصمیم دیگر هم درین زمینه رئیس قادیانیها اتخاذ نموده که میخواهد یک هیئت قادیانیها را به کابل بفرستد و با علمای انجاشا مناظره نموده اوشان را ملزم بسازد و عقیده قادیانی هارا حق و واجب الاتباع ثبات کنند ، باین قریب هم اگر موفق شوند البته که تمام مردم افغانستان را قادیالی خواهند ساخت .

چون که ترتیب اول شان بیشتر از یک فکر طفلا احقانه نبود ، حدشان هم بعد از آن که غیظ و غضب شان قدری تسکین یافت به سستی و بطولان آن قهمیده به ترتیب ثانی یعنی عزم هیئت مناظره اقدام نموده از کابل اجازه آمدن خواستند ، در این روزها در جراند هندی دیدیم که قادیانیهای کابل : دلیل چرا ؟ خوب داد بایستی جواب انجاشا بدهد ؟ ما از قضاى قادیانیها ، جواب دادن یادمان به آنها اطلاعی نداریم و همان است کسی به جواب آنها نپرداخته باشد زیرا که یک قضاى لغو و مهمل بوده .

اگر قضاى مذکور قادیانیها بواقعی درست باشد ، مالز طرف خود در جواب می گویم آقایان محترم ا هیچ حاجت نیست که برای مناظره و اثبات حقانیت عقیده تان ارقایان به کابل بیاید و با بقدر تکلیف بکشید ، الحمد لله در خود هندوستان بلکه در قادیان هم علمای بزرگ که عقیده شمارا اطل میداند به هزارها نفر موجود است و برای مناظره حاضر و آماده بلکه به کرات شمارا برای مناظره دعوت کرده اند ، اگر بسیار شوق مناظره دارید با آن علمای وطن خود که با هم میشناسید و از آداب و عادات و زبان یکدیگر اطلاع دارید ، مباحثه کنید مرکه علمای هندوستان را به عامی مغلوب و ملزم ساخته کسی در انجاشا نمائد که باشما مناظره کند ، آنوقت برای مناظره با علمای افغانستان به کابل بیاید ، درین موقع حکومت افغانستان هم رای شما اجازه خواهد داد

از بسکه قادیانیها بلکه خود میرزا غلام احمد هم در مناظره علمای اسلامی مغلوب شده اند در این اوقات هر چند اظهار اعلامی انجاشا به مناظره دعوت می کنند حاضر نمی شوند و با اقلی می گذرند حال میخواهند که برای عوام قریب به افغانستان بیایند و چون در انجاشا آن و تالیف و تالیفات و تلگرافهای بیگانه و مطبوعات بسیار و دیگر وسائل خبر رسالی قوری بهر طرف موجود است که مردم هندوستان هم در جلسه حاضر و ایمان ساعت مطلع شوند بوقت مراجعت به هند میان مردم مشهور می کنند که ملاهای قادیالی کابل رفته ، علمای انجاشا ملزم ساختند و ولوله عظیمی میان عوام می اندازند ، چنانچه در هندوستان نیز بالیکه مغلوب بیایند میان مردم شهرت می دادند که غالب شدیم .

تشریح از روز نامه های اسلامی

و علمای بزرگ و مجمع های مسلمین هند نعمت الله بخشیری قادیانی که از باعث دست زدن او در مسائل سیاسی و تحریک فتنه بر علیه دولت مخصوصاً در انجاشا نازک ، و مشوب ساختن عقائد مردم تبلیغ عقیده قادیانی ، و

بر کشتن خودش از مسلک صحیح اسلام سیاستاً و شرعاً محکوم به اعدام گردیده و از طرف مسلمین رجم شد و قادیانیها ازین واقعه بیجان آمده بر علیه دولت علیه آنچه در قدرت شان بود عمل آوردند . هر طرف دنیا تلگرام ها فرستادند در جراند مقالات نوشتند به دول اروپا که نسبت به ایشان صمیمیت دارند استفاده نمودند به جمع بین الملل شکایت کردند ، لاکن هیچ چیزی ازین عملیات و اقدامات شان مؤثر واقع نشد و قائده نه محسود زیرا اهل دنیا مخصوصاً عالم اروپا مثل قادیانیها بی بصیرت و جاهل هستند .

هیاهوی این مردم هر چه بود در هندوستان بود زیرا هندوستان چنانچه اهل خیرت و اطلاع میدانند نظر به عوارضی چند ، امروز تلاطمگاه ادیان و محل اصناف مردم و عقائد و افکار و اختلافات است لاکن جراند اسلامی مخصوصاً جریده شریقه زمیندار سیاست که اهمیت شان در عالم مطبوعات هند ثابت است و همه وقت از حق و حقیقت طرفداری و دفاع میکنند جوایهای مسکت به اعتراضات قادیانیها دادند ، و متوالیا مقالات متین در این وادی نوشتند و از هر حیث مدلل نمودند که نعمت الله واجب القتل و افغانستان بیحق بوده و کسی را در این مورد حق اعتراض ندارد و هیاهوی قادیانیها خلاف دین اسلام و حقوق بین المللی است .

هکذا جمعیتهای مسلمین هند هر شهر کنکره ها و مجلس ها در این باب عقد نموده بر عملیات افغانستان اظهار رضایت نموده و افعال قادیانیها انفرین گفتند جریانات و اظهارات این کنکره ها و مجلسها در روزنامه شریقه زمیندار و سیاست و دیگر روزنامه های اسلامی همه انتشار یافته . هکذا به صد هانقر علمای بزرگ از روی قرآن و حدیث و اجماع امت و اقوال ائمه مجتهدین نعمت الله را مرتد و واجب القتل اثبات نمودند . فتواها و اظهارات این علمای حقیقی و حقیقت گوی نیز در روزنامه های اسلامی نشر یافته و نشر می شود چنانچه از ابتدای این واقعه الی آآن در هر نمره روزنامه زمیندار و سیاست مقاله در این زمینه و فتوای جمعی از علما دیده می شود .

ما از این حمیت اسلامی جراند مذکور و غیرت جمعیتهای اسلامی و حقگوئی عامی حقیقی مسلمین هند باقصی انابه متشکر و ممنون بوده از خداوند برای شان مزید توفیقات و تأییدات در احقاق حق و طرفداری از اسلام رجا میکنیم و بر همت شان تبریک می گوئیم

بتقریب رهائی مولوی ظفر علی خان صاحب مالک روزنامه شریقه زمیندار

مولوی ظفر علی خان صاحب یکی از رجال دیندار و احرار معروف نامدار هندوستان می باشند . مشارالیه اگر چه بوجه نکارش و مدیری روزنامه شریقه زمیندار کمپ شهرت و نام آوری نمود ولی ذنانیک مرد بزرگ باوجدان و صاحب فضل و هرفا می باشند . بعضی کتابهای مفید که اکثر بصورت ناول است ، نوشته اند و بعضی کتابهای عمده را ترجمه نمودند ترجمه شان کتاب ( تنازع دین و علم ) دا کتر در پورا که در هند به نام ( مکره ) مذهب دسائس ) مشهور است بر کمال فضل شان دلالت می کند .

در حین روزنامه نگاری خدمات قلمی بزرگی به عالم اسلام و هندوستان نمود و بوجه حق کوفی و حقیقت نویسی تکالیف شاقه را متحمل گردیدند : جرم دادند روزنامه شان توقیف شد . نظرسندی کشیدند ، حبس گردیدند انواع مصائبیک بر سر شان وارد آمد با کمال متانت و همت تحمل نمودند . در مضرت هند برید طول و شرکت بزرگی داشته در نشر افکار مردم تلقین حریت و اتحاد و اظهار حقیقت بر علیه حکومت کارهای عالی کردند و برای آزادی وطن و سوق ملت بطرف منزل مقصود کوشش هابعل آوردند .

بعلاوه زحمات و تکالیف که از ابتدا تا پنج سال قبل ازین کشیدند در ( ۱۹۲۰ م ) مجرم وطن خواهی و راستگوئی به حبس پنج ساله محکوم گردیدند . در حین زمان مال و جایبند شان ضبط گردید تکالیف حبس شان بیشتر شد . پسر شان مولوی اختر علی خان نیز همین جرم که آزادی خواه و وطن پرور است حبس شدند . چند نفر از مدیرهای زمیندار منقذ و جرم و حبس گردیده بالاخر روزنامه زمیندار نیز چندی به عراق تعطیل و توقیف افتاد .

چون که دنیا گذران است و هیچ حال خواه رنج باشد یا راحت دوام ندارد ، جناب مولوی ظفر علی خان صاحب پس از پنج سال حبس در هفته گذشته رها گردیدند . رهبری این مرد دیندار باوجدان و محض اسلامیت و حب وطن هر گونه تظلمات و تضییقات را قبول نمودند و از تصمیم خود برنگشتند . باعث خورشیدی و خوشوقتی تمام علاقه مندان به اسلام گردیده . همت و حمیت اسلامی ایشان را تحسین و تقدیر می کنند .

ما هم به این برادر اسلامی و همکار محترم خویش تبریکات و احترامات دوستانه خود را با قلب شادان و خاطر فرجان قدیم ، و به اقارب و دوستان و سایر علاقه مندان شان عرض نهانی می نمائیم و در خدمت به اسلام و نیل مرام توفیقات و تأییدات برای شان خواستاریم .

محرابه ( نیکه ) و شجاعت آقای محمد عمر خان لوامشر

قرار اعلامی که روزنامه حقیقت در نمره ( ۴۰ ) خود نوشته معلوم می شود که حضرت عالی وزیر صاحب حریره در این اواخر تصمیم گرفتند که محل موسوم به ( نیکه ) که موقع مهی از دره جدران است تصرف نمایند . رای تصرف نمودن محل مذکور جناب لوامشر محمد عمر خان از طرف ( شاهی کوت ) و ( سپین تخت ) و جناب فرقه مشر عبدالوکیل خان از راه ( سره میدان ) و فرقه مشر شیر احمد خان بامیر زمان خان از راه ( زبروک ) ما مور گردیدند که از هر سه طرف محوم بپزند .

در حینکه مفرزه جناب لوامشر محمد عمر خان به روز ( ۱۵ ) عقرب به قصد تخریب و هجوم بر نیکه از راه ( ارد ) رهسپار بود در حدود ارد با جمعیت بزرگ باغیان که در نقاط ساکا و صعب المرور این مقام کین گرفته بودند مقابل گردیده اسر به آتش باری داد . بعد از مدت قلیلی دیگر جماعتی باغیا که در کرد و نواح حدود مذکور بودند صدای توپ و تفنگ را شنیده بمعاونت همراهان خود رسیدند در این وقت قوه اشرا را خیلی زیاد و لحظه به لحظه کار قشون لوامشر مشکل تر و در راه اوشان مشکلات بیشتر گردید ولی آقای لوامشر از شجاعت و حماست فطرتی خویش در تشجیع و تقویت معنویات قشون خود کمال مهارت منحرج داده بالاخر با غیبارا مغلوب و مجبور به فرار کردن نمود .

روز ( ۱۷ ) عقرب ، باز دیگر جناب لوامشر محمد عمر خان در حینیکه بطرف ( نیکه ) در حرکت بودند با جمعیت باغیان دست و گریبان شده به محاربه آغاز نهاد و قتیکه این اطلاع برای وزیر صاحب حریره رسید علی الفور حکم به فرستادن قوه الظهر نمودند چنانچه از مفرزه آقای عبد الوکیل خان و از قوای هر کاب وزیر صاحب حریره و قوای نیکه در ( زبروک ) بود کمک برای مفرزه لوامشر صاحب که از چندی باسطرف متوالیا داخل محاربه می باشند فر ستاده شد .

با لحظه مفرزه های ثلثه از سه طرف بتعرض اقدام نموده ( نیکه ) را تحت آتشباری گرفتند از صبح تا ساعت ( ۳ ) عصر جنگ دوام داشت بالاخر عسا کر ما موضع ( نیکه ) را ضبط و اشغال نموده باقیها متفرق گردیدند .

قرارداد خراجیه

( شرکت المان در مجمع بین الملل ) و بریشانی روسها

ماقبت دول متفقہ رضادادند که با همان شرائط که المان خواستار بود شامل در مجمع بین الملل گردد . شرائط المان ازین قرار است اول عضویت دائمی ، دوم عدم برزی احدی از اعضا بر مابنده المان سوم مسئله ذمه واری جنگ بهیچ وجه در مجمع بین الملل موضوع بحث نیابد . چهارم قبول شرکت المان در مجمع بدون هیچ شرطی باشد . پنجم المان مختار خواهد بود که هر وقت بخواهد ترک مجمع بین المللی را گوید .

شرکت المان موثر بریشانی روسها آمده المان را تهدید نموده متنبه ساخته است که اگر شرکت به مجمع بین المللی نماید هیچ گونه امیدی از روسیه نباید داشته باشد . روسها میگویند که اگر المان شامل مجمع بین المللی شد احکام مجمع صورت قانون بین المللی را پیدا خواهد نمود .

( خساره قار بلزان باطماعین )

ماقبت خزانه المان نصفیه قطعی نموده که کلیه مار کهای اولیه باطن و از درجه اعتبار ساقط باشد و به ( ریج بانک ) اجازه داده شده است که مارک جدید طبع نموده رواج دهد . این خبر قناریان مارک را افسرده نموده آن اطماعینیکه میلیون ها مارک را در صندوقهای آنها بامید گذارده بودند ناامید آمده یکی از تبصرین می نویسند که المان در مسئله مارک چندین برابر خساره که دول متفقہ بروی حمل و طلب کرده فائده بر گرفته است .

( گرفتاری در بنکال )

در این اواخر انگلیسها بعض قوانین تازه برای دستگیری انقلاب جمعی ها و مخالفین حکومت وضع کرده اند . هفته گذشته تحت این قوانین جدید ( ۷۵ ) نفر از معروفین و غیر معروفین بنکال گرفتار آمده و تمام آنها از حزب سوارج اند . می گویند که این جماعت باصول انارشیستی سرا کوشش برای ادا حق بلوا برخلاف حکومت داشته اند از هر طرف آواز احتجاج برخلاف حکومت بلند گردیده است . جیل المتین

مسئولتی ( رئیس الوزرای سابق هنگری ) برای تشکیل کمیسیون تحقیق قضیه موصول انتخاب کرده و او روز ( ۲۲ ) عقرب شروع به کار خواهد نمود .

( انقره )

مصطفی کمال پاشا بموقع افتتاح مجلس بزرگ اظهار داشته که مسئله موصول بقتضای حقوق مشروع تر کبیه تصفیه خواهد شد و الاعسا کر تر کبیه برای احقاق حق آماده هستند .

( ایتالیا )

وکلاهی مخاف حکومت از حضور در مجلس استخفاف ورزیده و خواستار تجدید انتخابات هستند .

( رئیس جمهور امریکا )

نیویارک ( ۱۳ ) عقرب - مستر کوایچ به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد .

مخویش راه مده مردمان خائین را

از روزنامه حقیقت

- ایا ندیده بکیتی حریم امن و امان
- روز کار جهانداری بزرگ شهان
- با احترام گذر کن بخطه کابل
- باعتبار نظر کن به کشور افغان
- بین اهالی شور جهان غنود استند
- بزر سایه چتر خدایگان جهان
- مبین خسرو اعظم امیر امانا که
- که صیت معدنش بر گذشته از کپهان
- امیر عالمو عادل شهینة غازی
- کاوست دین بی را یگانه پشتیان
- قضامثال و قدر قدرت و فلک رفت
- سکندر ایت و جم سر برودار اشان
- غلام در که اوسد چو نیکلای پتر
- کینه جا کر اوسد چو قیصر و خاقان
- بسگاه بزم بود ماه بر فراز سر بر
- بسگاه بزم بود شیر شرزو خهران
- بسال کر چه جوالست شاه مالیکن
- رأی پیر کند کارهای صعب آسان
- چنانکه کرده و خواهد کند بیاری حق
- مظفرانه فتوحات عالی و شایان
- ( بقی دارد )

در مطبع حروری ماشین خانه طبع گردید

( فرانسه )

۲۱ عقرب - روز ( ۱۱ ) نومبر که روز فتح فرانسه بر آلمان - مراسم در فرانسه و امپراطوری انگلستان جشن گرفته می شود . روز مذکور که ( ۱۹ ) عقرب بود جشن ششمین سال فتح در طاق ظفر با حضور یک جمعیت قابل ملاحظه گرفته شد . در ساعت ( ۱۱ ) تمام راه های آهن و راه های شهری اتومبیلها و ماشینها برای یک دقیقه در خاک فرانسه ایستاده و در ظرف اشدت تمام مردم ساکت و خاموش بودند . بوقهای با افتخار جنگ بزرگ تقدیم رئیس جمهور گردید . در مجموع تمام مستخدمین دولت ، مارشالهای فرانسه [ فوش ، پتان و قابل ] نماینده کان سیاسی خارجه در سر قبر سرباز کنگام حضور داشتند .

( انگلستان )

در شرفاتی که در کیندهال بعمل آمد مستر بالدون رئیس الوزرای انگلیس اظهار داشته که جدا طرفدار معاهده است و روابط حسنه با ممالک خارجه بوده و خواهد بود . از حق شناسی موسیو مریو رئیس الوزرای فرانسه کاملاً تقدیر کرده و امید واری داده است که دوستی و نگاه او ثابت و پابرجا می باشد و از نتایج حاصله از کنفرانس لندن اظهار خوشنودی نموده است . موسیو مریو توسط سفیر فرانسه در لندن از حسن نظر موسیو بالدون تشکر کرده است .

( عرب )

بن مسعود در اردن مکه معظمه گردیده . به بعضی راجه های هند و بخ بعضی قطعات عرب و چند نفر از علمای بغداد و ایران دعوت نامه ها فرستاده که برای کنفرانس خلافت در پایتخت مجد جمع شوند . امیر علی پسر شریف حسین در جده است و مستر فلی نام انگلیس از لندن برای گفتگوی صلح میان امیر علی و ابن مسعود روان شده . مطبوعات انگلیس اظهار میدارند که مداخله مستر فلی در این قضیه از طرف حکومت انگلیس نیست بلکه خود مستر مذکور خواهش واراده آن نموده .

( اسپانیا )

جراند مدیر مدیترانه است که در نتیجه آشفتگی وسیع سوسیالیست ها بر علیه هیئت مدیره ( ۸۵ ) نفر در پایتخت توقیف گردیدند . ابلاغیه رسمی حکومت اظهار می نماید که دولت اسپانی عملیات خویش را در مراکش تعقیب می کند . جراند اسپانی هنوز تحت سانسور هستند .

( سوئیس )

جمع اتفاق ملل سه نفر اعضاء خود را بقرار ذیل :  
مسیو پولیس ( بلژیک ) مسیو ویرس ( دیپلمات سوئدی )